

رویکردهای سه گانه

به جنگ ایران و عراق

محمد درودیان

جنگ در زمان وقوع، پدیده‌ای جاری و امری عینی و واقعی است ولی پس از پایان، تنها گفتمانهای مختلف درباره‌ی این پدیده به جامی ماند به عبارت دیگر، جنگ با نگاه به جنگ تفاوت دارد. آنچه امروز و پس از پایان جنگ، درگیر آن هستیم، نگاه به جنگ و شکل گیری رویکردها و منظرهای مختلف درباره‌ی جنگ است که چون هنوز به ادراک روشن درباره‌ی ماهیت آنها دست نیافته ایم، تحلیل و تبیینهای جدی از عوامل مؤثر بر شکل گیری آنها و روش رویارویی با این موارد نیز وجود ندارد.

هم اکنون، واقعیتها و حقیقتهای جنگ به عنوان امری تاریخی با آثار و پیامدهای عمیق سیاسی، نظامی و اجتماعی، گفتمان و رویکردهای سه گانه‌ای را با تأثیر پذیری از قلمرو سه گانه جنگ شکل داده است که از ماهیت جنگ و قلمرو یا حوزه‌های سه گانه جنگ متأثر است. این مهم در بستر شرایط مختلف و به صورت تدریجی، شکل گرفته و به نظر می رسد همچنان، ادامه خواهد یافت و روند تکاملی خود را طی خواهد کرد.

پرسشها و نسبت جنگ در سه قلمرو سیاسی، نظامی و اجتماعی - فرهنگی متفاوت است و به اقتضای این سه قلمرو، به پرسشهای متفاوتی توجه می کند.^(۱) در قلمرو سیاسی، پرسش اساسی این است که جنگ برای چیست و چرا آغاز می شود؟ در واقع، هدف و علت جنگ در کانون توجه و نظریه پردازی قرار می گیرد. در قلمرو اجتماعی، پرسش اساسی این است منشأ جنگ چیست؟ و چه پیامدهایی دارد؟ در این حوزه به زمینه و تأثیر جنگ توجه می شود. در قلمرو نظامی پرسش نیز، این است که جنگ چیست و چگونه آغاز می شود؟ در اینجا، ماهیت و روش یا ساز و کارهای وقوع جنگ نقطه ثقل برسیه است.

همچنین، نسبت جنگ با عوامل سه گانه بدین شکل است که در قلمرو سیاسی، پیوستگی جنگ با سیاست تحقق می یابد. این موضوع روشن می کند جنگ به ماهوی جنگ معنا ندارد، بلکه برابر نظریه کلاوزویتز^(۲) سیاست، راهنمای جنگ است و اهداف آن را مشخص می کند. طبق این معنا، بن بست سیاست و شکست دیپلماسی به معنای آغاز جنگ است.

پیوستگی جنگ با تحولات فرهنگی - اجتماعی در قلمرو اجتماعی جنگ شکل می گیرد. این موضوع روشن می کند که جنگ چگونه از شرایط فرهنگی - اجتماعی تأثیر می پذیرد و در تعامل عمیقی به ظهور پدیده‌های جدید اجتماعی منجر می شود.

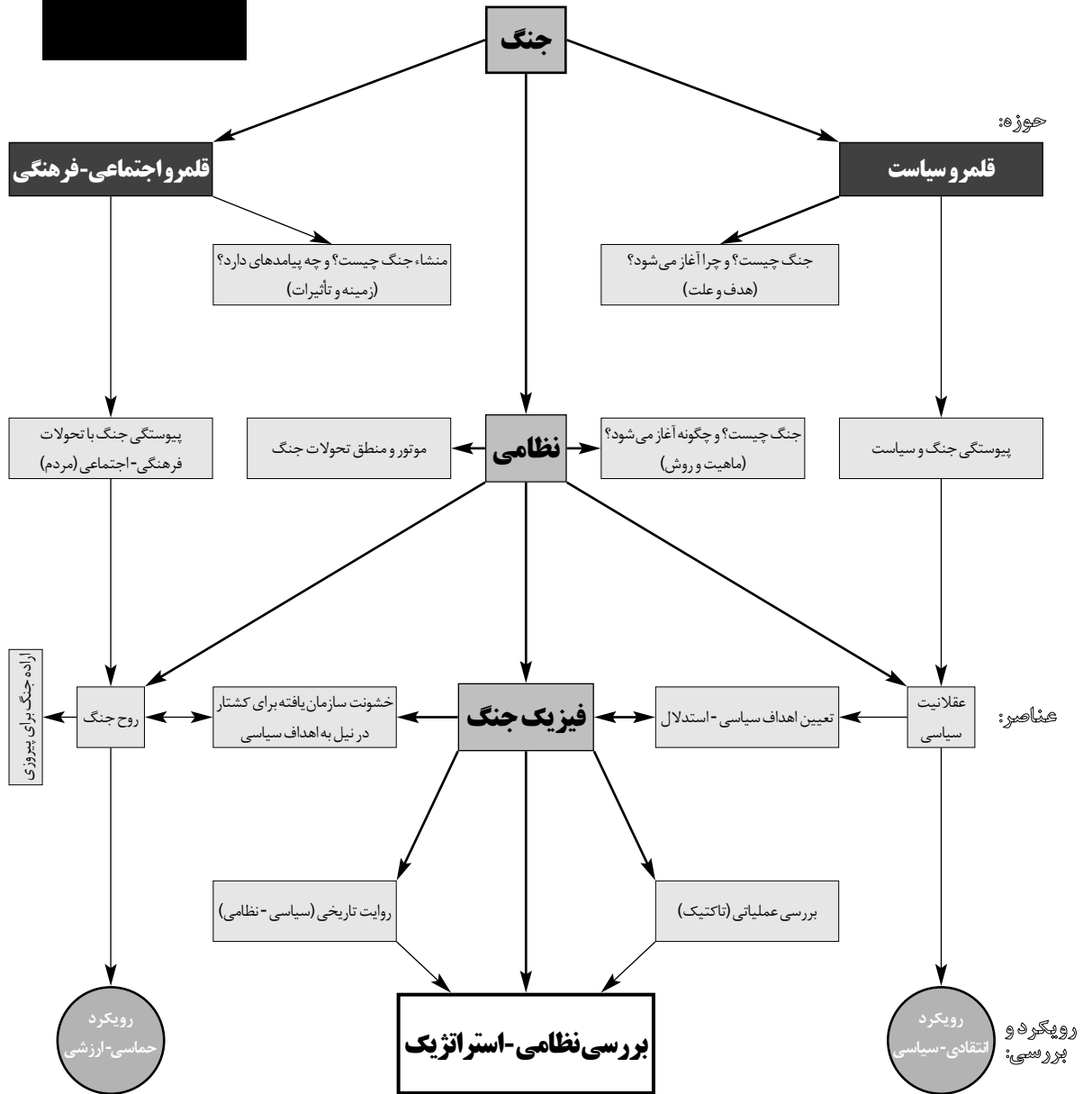
منطق و نیروی محرکه تحولات جنگ در قلمرو نظامی جریان دارد. به عبارت دیگر، جنگ بدون درگیری نظامی معنا و مفهوم ندارد و این مهم در قلمرو نظامی با انجام مناقشات و درگیری فیزیکی تحقق می یابد. آنچه در این قلمرو روشن می شود بازدارندگی چگونه مانع از وقوع جنگ می شود؟ به عبارت دیگر، چرا وقتی جنگی آغاز می شود، این موضوع به معنای شکست در بازدارندگی است؟

عناصر اصلی در قلمرو سه گانه جنگ نیز در عین حالی که بایکدیگر تفاوت دارند، اما بایکدیگر را تکمیل و معنای می کنند. عقلانیت سیاسی، عنصر اصلی جنگ در حوزه سیاست است. بدین معنا که اهداف جنگ و استدلال برای ضرورت آن و همچنین، توجیه مشروعیت جنگ بر پایه عقلانیت، به معنای تعریف و تعیین نسبت میان هدف و وسیله در این حوزه مشخص می شود. بدون عنصر عقلانیت، مفاهیم اصلی جنگ شامل آموزه سیاست دفاعی، استراتژی سیاسی و نظامی و امنیت ملی قابل تعریف نخواهد بود.

عنصر اصلی در قلمرو اجتماعی جنگ، روح جنگ به معنای اراده برای جنگ و کسب پیروزی است. فارغ از اینکه عزم و اراده برای جنگ عنصری بسیار اساسی در شکل گیری این پدیده است، این موضوع در مورد انقلابها به دلیل تحول اجتماعی - فرهنگی تأثیر مضاعف دارد.

(۱) جنگ در قلمرو اقتصادی نیز حاوی اصول و مفاهیم اساسی و تأثیرگذار است ولی در این بررسی مورد توجه قرار نگرفته است.

(2) Clausewitz

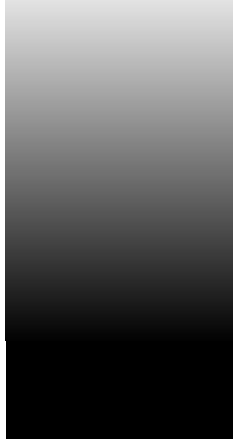


شاید یکی از علل وقوع پدیده‌ها یا حوادث غیر قابل پیش بینی در جنگهایی که به انقلابها تحمیل می شود، همین موضوع باشد. آنچه بعدها، به عنوان فرهنگ و ارزشهای جنگ تعریف و مفهوم بندی می شود، در این حوزه شکل می گیرد.

در قلمرو نظامی، عنصر اصلی همان فیزیک جنگ به معنای خشونت سازمان یافته برای کشتار به منظور دستیابی به سیاسی است. جنگ بدون این فیزیک، فاقد معنا و مفهوم جنگ است.

بر پایه این توضیحات، جنگ بدون زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و بدون اهداف سیاسی، که بر پایه عقلانیت سیاسی بنا شده اند، فاقد منطق و مشروعیت لازم به منظور بسیج منابع ملی برای دستیابی به تأمین اهداف و منافع ملی است.

پیش از ورود به بحث رویکردها، لازم است بدین موضوع اشاره شود که قلمرو سیاسی جنگ در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی شکل می گیرد و سیستم و ساختار حکومت و دولت به دلیل ضرورت بهره مندی از تفکر کلان برای تصمیم گیری و اداره جنگ و کشور با این حوزه سرو کار دارند. قلمرو اجتماعی-فرهنگی جنگ بیانگر ارزشها و رفتارهای جامعه است. به عبارت دیگر، عقلانیت اجتماعی در واکنش



به تهدید و جنگ در اینجا به منصفه ظهور می‌رسد و از این طریق مردم و جامعه با جنگ درگیر می‌شوند. قلمرو نظامی جنگ بیانگر بررسیهای استراتژیک نخبگان نظامی، استراتژیستها و نهادهای نظامی - امنیتی است. در این قلمرو، روح نظامیگری و جوهر جنگ دیده می‌شود.

بر پایه ملاحظاتی که درباره قلمرو سه گانه جنگ توضیح داده شد، رویکردهای سه گانه درباره جنگ ایران و عراق به شرح زیر است:

(۱) رویکرد سیاسی - انتقادی در قلمرو سیاسی جنگ: در این رویکرد، نقد قدرت سیاسی با تمرکز بر مسائل سیاسی جنگ از جمله تعیین اهداف جنگ، به ویژه پس از فتح خرمشهر و مدیریت و تصمیم گیری هدف اصلی است. در این رویکرد، جنگ از سوی اپوزیسیون به منزله ابزار منازعات سیاسی است و به تناسب او جگری منازعات، در روند تحولات سیاسی - اجتماعی، تشدید می‌شود. ماهیت و روش این رویکرد تمامی دستاوردهای جنگ را مخدوش و هویت آن را مصادره می‌کند، به همین دلیل، مخاطره آمیز است.

(۲) رویکرد حماسی - ارزشی در قلمرو اجتماعی - فرهنگی جنگ: در این رویکرد، انتقال مفاهیم و ارزشهای دوره دفاع مقدس به عنوان الگوی رفتاری مناسبی برای مقابله با ناهنجاریهای فرهنگی - ارزشی پس از جنگ هدف اصلی است. شکل گیری نظریه تهاجم فرهنگی در توضیح ماهیت تهاجم فرهنگی دشمن پس از جنگ و ضرورت مقابله با آن، رویکرد حماسی - ارزشی را شکل داد و تقویت کرد. انتشار رمان، خاطره، داستان نویسی و بسیاری از برنامه های تبلیغاتی درباره جنگ، به ویژه رویکرد غالب در صدا و سیما از همین اهداف و ملاحظاتی متأثر است. این رویکرد به تدریج، جنگ را به موضوع انتزاعی و فراقمان و فرامکانی تبدیل می‌کند و آن را از جایگاه رفیع میراث ملی تلقی شدن به سطح محدودتری تنزل می‌دهد. به همین دلیل، با وجود به جا گذاشتن آثار معنوی، نمی‌تواند در درازمدت، تداوم یابد و به تدریج، مخاطبان آن محدود می‌شود.

(۳) رویکرد عملیاتی - تاریخی در قلمرو نظامی جنگ: در این رویکرد، تجزیه و تحلیل عملیاتیهای نظامی و توصیف و تحلیل سیاسی - نظامی از جنگ، همراه با روایت تاریخی - گزارشی از روند تحولات جنگ هدف اصلی است. سپاه و ارتش بیشتر بدین رویکرد اهتمام کرده‌اند.

بررسیهای عملیاتی در سطح تاکتیکی و با رویکرد گزارشی - تاریخی و با تمرکز بر مسائل سیاسی و نظامی، ویژگی بررسیهای انجام شده در این قلمروست. هر چند به این گونه بررسیهای نظامی - استراتژیک برای نظریه پردازی و پاسخگویی به تهدیدهای آینده بر پایه تجربه های گذشته به شدت نیاز داریم، تاکنون، از آنها غفلت شده است. در نتیجه، این احتمال وجود دارد که ماهیت رخدادها و تحولات نظامی جنگ در جایگاه اصلی خود، بررسی و بهره برداری نشود.

نگاه مجدد به رویکردهای موجود در قلمرو سه گانه جنگ به منظور پاسخگویی بدین پرسش که آیا میان واقعیتی و حقیقتهای جنگ و نیازها و ضرورتهای حال و آینده نسبتی وجود دارد یا خیر، گسستهای عمیقی را میان مفهوم سازی، نظریه پردازی و صورت بندی تحولات جنگ نشان می‌دهد. ادامه این روند، به تدریج، میان تجربه های تاریخی و میراث ملی کشور از یکسو و نیازها و ابتلائات حال و آینده از سوی دیگر، شکاف ایجاد خواهد کرد. در نتیجه، بیم آن می‌رود که آینده بدون نگاه به گذشته و گذشته منقطع از حال و آینده ترسیم و بر وقایع مختلف (از جمله جنگ)، تنها به عنوان واقعه ای تاریخی، به صورت موضعی و با روش تبلیغی تأکید شود.

بی‌گمان، ریشه ها و عوامل پیدایی چنین وضعیتی باید در برخورد با جنگ آسیب شناسی شود، اما آنچه روشن است اینکه نسبت مردم و جامعه و ساختار سیاسی با جنگ هم زمان با ادراک آنها از اهداف و ماهیت جنگ، مشخص می‌شود. مقاومت همه جانبه و شکست دشمن پیامد این امر بود. در نتیجه، حماسه بزرگ تاریخی در بستر تحولات انقلابی در کشور به وقوع پیوست. به نظر می‌رسد پس از جنگ، نحوه رویارویی با آن، با توجه به هدف تداوم شرایط ویژه سیاسی - اجتماعی، بیشتر تبلیغی بوده است و پاسخهای مختلف بدین پرسش که با جنگ، پس از جنگ چگونه باید برخورد کرد؟ به طرز صحیحی، سامان نیافته است؛ بنابراین، اگر صحت این سخن ثابت شود، پرسش که با جنگ پس از جنگ چگونه باید برخورد کرد؟ همچنان، پرسشی اساسی است.

شیمیایی) در جریان دیدار دبیرکل از تهران و بغداد در ماه آوریل سال ۱۹۸۵، بحث شد.

در تداوم انجام عملیاتهای نظامی، ایران در تاریخ ۹ ماه فوریه سال ۱۹۸۶، تهاجمی را علیه قلمرو عراق آغاز کرد و هنگامی که جنگ شدت گرفت، بار دیگر، عراق به استفاده از سلاحهای شیمیایی روی آورد. در این زمان ایران، اقدام عراق را به سازمان ملل متحد اعلام کرد، اما اینبار نیز، بغداد با رد اتهام، جمهوری اسلامی را به استفاده از چنین سلاحهایی متهم کرد. در ۱۲ ماه فوریه سال ۱۹۸۶، ایران ادعای استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را تکرار و اعزام گروه تحقیق سازمان ملل به ایران را خواستار شد.

در ۲۴ ماه فوریه سال ۱۹۸۶، شورای امنیت قطعنامه ۵۸۲ را تصویب کرد که در آن، به اقدامهای اولیه ای که بروز جنگ، ادامه و تشدید آن را موجب شد، اشاره کرد. همچنین، تأسف خود را از به کارگیری سلاحهای شیمیایی که با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مغایر است، اظهار نمود. در همین حال، استقرار آتش بس فوری، عقب نشینی نیروها، تبادل اسیران و پذیرش میانجیگری برای پایان دادن به محاصره دو کشور را در این قطعنامه مزبور خواستار شد.

در ۲۵ ماه فوریه سال ۱۹۸۶، دولت ایران صدور این قطعنامه را گام مثبتی در زمینه محکومیت عراق به عنوان مهاجم دانست و پایان یافتن عادلانه این جنگ را خواستار شد.

پس از تصویب قطعنامه ۵۸۲، گروهی متشکل از چهار کارشناس، که پیشتر در ماه مارس سال ۱۹۸۴، تحقیقاتی را انجام داده بودند، به مدت چهار روز به ایران اعزام شدند و گزارشی را در تاریخ ۷ ماه مارس سال ۱۹۸۶، به دبیرکل سازمان ملل تقدیم کردند.

دبیرکل ضمن ارائه گزارش کارشناسان به شورای امنیت، با اظهار تأسف یادآور شد که: کارشناسان استفاده نیروهای عراقی از سلاحهای شیمیایی را علیه نیروهای ایرانی در جریان تهاجم ایران به خاک عراق، تأیید کرده اند و وی نیز این اقدام دولت عراق را به شدت محکوم می کند.

گزارش هیئت اعزامی مراجعه؛ بازبینی اسناد و مدارک؛ روش شناسی؛ جنبه های پزشکی؛ شیمیایی و جنبه های مربوط به جنگ افزارها؛ گواهی عراقیها و نتیجه گیری را شامل می شد.

در تهیه گزارش این هیئت، دیگر گزارشهای ارائه شده در مأموریتهای سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ نیز در نظر گرفته شده بود. در گزارش جدید، نسبت به شمار زیاد شهیدان ناشی از مواد

دجله آزاد کردند.

احداث پل خیبر روی هورالهویزه، با ابتکار، طراحی و اجرای نیروهای اسلام از موفقیتهای به دست آمده در عملیات ویژه خیبر بود.

استفاده رژیم عراق از سلاحهای شیمیایی

تهیه کننده: گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی
در ماه مارس سال ۱۹۸۴، خاویز پرز دکوئیار بنا به درخواست دولت جمهوری اسلامی ایران و پس از مشورت با دولت عراق، گروهی از کارشناسان را برای بررسی ادعاهای ایران مبنی بر به کارگیری سلاحهای شیمیایی از سوی عراق، انتخاب کرد. گزارش این کارشناسان در ۲۶ ماه مارس سال ۱۹۸۴، به شورای امنیت سازمان ملل تسلیم شد و دبیرکل در تاریخ ۲۹ ماه ژوئن سال ۱۹۸۴، از هر دو دولت ایران و عراق رعایت مفاد کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو را درخواست کرد که ایران بدان پاسخ مثبت داد.

همچنین، بنا به درخواست دولت ایران در ماه آوریل سال ۱۹۸۵، دکوئیار از کارشناسان پزشکی گروه نامبرده خواست تا مجروحان شیمیایی ایرانی که در بیمارستانهای اروپا بستری بودند، معاینه کنند. نتیجه گزارش کارشناس مزبور در ۲۴ ماه آوریل سال ۱۹۸۵، به شورای امنیت فرستاده شد. در ماه مارس سال ۱۹۸۵، دبیرکل سازمان ملل طرحی هشت ماده ای را برای دستیابی به راه حلی برای پایان بخشیدن به جنگ تحمیلی به دولتهای ایران و عراق تسلیم کرد که درباره یکی از موارد مطرح شده در این طرح (پایان دادن به استفاده از سلاحهای



مجر و حان عراقی در تهران به دست آمد که طبق آنها، جراحاتشان با بمبهای شیمیایی هواپیماهای عراقی در حال حمله به مواضع ایرانهای ایجاد شده است. همچنین، یک خلبان عراقی دستگیر شده تأکید کرد که هواپیماهای عراقی در حمله به مواضع ایرانیان از بمبهای شیمیایی استفاده می کرده اند.



عناوین پژوهشهای تهیه شده توسط خبرگزاری جمهوری اسلامی

- ۱- ع. سحر خیز؛ بررسی تأثیر جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بر روی اقتصاد عراق، ۱۳۶۲/۹/۲۲.
- گروه تحقیق خبرگزاری؛ تأثیر جنگ ایران و عراق در منطقه خلیج فارس، ۱۳۶۴/۳/۱.
- آ. یعقوبی؛ کاربرهای سرمایه گذاری جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۴/۴/۱۲.
- آ. منصور آذر؛ مذهب و استراتژی در جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۴/۹/۴.
- م. انصاری فرد؛ جنگ ایران و عراق؛ کینه توزی، مصیبت، ضایعات، ۱۳۶۴/۱۲/۹.
- ت. مشرقی؛ پیامدهای اقتصادی جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۵/۷/۱۴.
- خ. هدایتی؛ جنگ ایران و عراق؛ مفاهیم سیاسی، ۱۳۶۶/۴/۲۹.
- ه. نامور؛ بررسی اجمالی مسائل روز جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۶/۸/۲۷.
- ت. مشرقی؛ آنتونی پارسونز و جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷/۶/۱۶.
- خ. هدایتی؛ سیاست انگلیس در قبال جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷/۶/۳۰.
- م. پایا؛ معرفی رساله: ایران و عراق، بنیاد نهادن بر کار فرو بسته، ۱۳۶۷/۹/۲۱.
- م. پایا؛ معرفی کتاب جنگ ایران و عراق: آثار و مفاهیم، ۱۳۶۸/۶/۲۰.
- م. رئیسیان؛ ایران و عراق عرصه نبرد فرهنگ ها، ۱۳۷۰/۱۲/۷.

شیمیایی در ایران و ماهیت و گستردگی جراحتهای وارد شده به قربانیان حمله های شیمیایی ابراز نگرانی شد. در همین حال، به گزارشهای سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۴ اشاره شد. در این گزارشها، استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی علیه نیروهای ایرانی را تأیید شده و آمده بود که به رغم درخواستهای سازمان ملل، حمله های شیمیایی عراق علیه نیروهای ایرانی همچنان، در مقیاس گسترده تر از پیش ادامه دارد.

جنبه های پزشکی این گزارش بر اساس آزمایشهایی که فاصله زمانی ۲۷ ماه فوریه تا ۲ ماه مارس سال ۱۹۸۶ روی سی مجروح جنگی در بیمارستانهای لبافی نژاد، بقیه الله، والفجر (موقت) در تهران و بیمارستانهای شهید بقایی و سیدالشهدا (ع) (موقت) در اهواز از سوی پزشکان متخصص در این مأموریت صورت گرفته بود و همچنین، بر اساس آزمایش روی ۴۲ مجروح که از اهواز به تهران منتقل شدند و معاینه سردستی از حدود ۳۰۰ مجروح در بیمارستان موقت سیدالشهدا (ع)، ۳۰۰ مجروح در بیمارستان موقت والفجر، چهل نفر مجروح در بیمارستان لبافی نژاد و حدود هشتاد نفر در بیمارستان بقیه الله، تنظیم شده بود. همین طور ۲۳ جسد معاینه شد و نیز گزارشهایی از چهار پزشک ایرانی که خود، در معرض سلاح شیمیایی قرار گرفته بودند، دریافت شد. گزارشهای متعدد مقامهای پزشکی ایرانی از این حکایت داشت که حدود دو هزار تن از کسانی که در معرض سلاحهای شیمیایی قرار گرفته اند، در بیمارستانهای اهواز و حدود ده هزار تن در بیمارستان موقت والفجر در تهران معالجه شده اند. تغییر یافته ها و زخمها در بدن مجروحان معاینه شده موجب شد که هیئت به اتفاق به این نتیجه برسد که این مجروحان در معرض بمبهایی قرار گرفته اند که از هواپیما پرتاب و در تماس با زمین منفجر شده اند.

این گزارش بالینی و تحلیلی ثابت می کند که تغییر بافتی و زخمهای مشاهده شده در مجروحان جنگی با سلاح شیمیایی موسوم به اپیریت صورت گرفته که ترکیب شیمیایی آن بی.ای.اس دوکلرو اتیل سولفور است. تجسسها نشانه ای مبنی بر استفاده مجدد از گاز تابون را که در تحقیقهای سال ۱۹۸۴ دیده شده بود، نشان نمی دهد. در بررسی گودالهای متعددی در محل بمباران در حوالی آبادان، بخارهای گاز خردل یافت شد. همچنین، خاکهای حاوی گاز خردل از گودال ایجاد شده با بمب شیمیایی که نتیجه حمله روز قبل عراق به یک بیمارستان صحرایی بود، جمع آوری شد. همچنین مدارک مهم جدید در جریان مصاحبه با